

Exploring the causes of child abuse in Kermanshah province: a qualitative study

Mahmoud Roganchi

Vice President of Research and Technology, Razi University, Kermanshah, Iran.
(Corresponding author). mahmoudroghanchi@yahoo.com

Mohsen GolMohammadian

Associate Professor in counseling, Razi University, Kermanshah, Iran.
mgolmohammadian@gmail.com

Parvaneh Khaftan

Department of Social Work, Faculty of Social Health, University of Rehabilitation Sciences and Social Health, Kermanshah, Iran.
Pkhftan2015@gmail.com

Yeganeh Rostami

Department of Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Tabriz University, Kermanshah, Iran.
Rostami0098@gmail.com

Elham Masoudipour

Forensic Medicine Research Center, Iran Forensic Medicine Organization, Kermanshah, Iran.
el.masoudipour@gmail.com

Abstract

One of the social harms that can be considered both the cause of some harms and their effect is the phenomenon of child abuse. This phenomenon, which some researchers sometimes refer to as "falling avalanche" in a creeping and mostly invisible way, can weaken social foundations and provide the basis for many damages. This research was conducted with the aim of analyzing the causes of child abuse in Kermanshah province and using a qualitative method. The statistical population of the research included all abused children and intervention experts in the phenomenon of child abuse in Kermanshah province in 2021. The sampling method was

purposeful with theoretical saturation criterion. In this research, a semi-structured interview was conducted with 10 abused children or their families and 16 experts active in the field of child abuse. The data were analyzed and analyzed using the qualitative content analysis method, and several categorization and coding were done. Based on the findings of the research, the most common causes of child abuse were categorized into four physical, psychological, family and social domains. The findings of the research showed that the phenomenon of child abuse is increasing in our society and there are many reasons behind child abuse. In order to reduce the phenomenon of child abuse, society needs comprehensive and coordinated planning by the government for appropriate changes in family, socio-cultural, legal and administrative structures.

Key words: child abuse, Kermanshah, qualitative study

واکاوی علت‌های کودک‌آزاری در استان کرمانشاه: یک مطالعه کیفی

محمود روغنجی

معاونت پژوهشی و فناوری، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
(نویسنده مسئول) mahmoudroghanchi@yahoo.com

محسن گل محمدیان

دانشیار گروه مشاوره، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
mgolmohammadian@gmail.com

پروانه خفتان

گروه مددکاری اجتماعی، دانشکده علوم رفتاری، دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی تهران، کرمانشاه، ایران.
Pkhftan2015@gmail.com

یگانه رستمی

گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، کرمانشاه، ایران.
Rostami0098@gmail.com

الهام مسعودی پور

مرکز تحقیقات پزشکی قانونی، سازمان پزشکی قانونی، کرمانشاه، ایران.
el.masoudipour@gmail.com

چکیده

یکی از آسیب‌های اجتماعی که هم می‌تواند علت برخی آسیب‌ها و هم معلول آنها به شمار آید پدیده کودک‌آزاری است. این پدیده

که برخی از پژوهشگران گاه از آن تحت عنوان "بهمن در حال سقوط" یاد کرده‌اند به طور خزننده و بیشتر ناپیدا، می‌تواند بنیان‌های اجتماعی را سست کرده و زمینه‌ی آسیب‌های فراوانی را فراهم آورد. این پژوهش با هدف واکاوی علت‌های وقوع کودک‌آزاری در استان کرمانشاه و با استفاده از شیوه کیفی انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی کودکان آزاردیده و کارشناسان مداخله‌گر در پدیده‌ی کودک‌آزاری استان کرمانشاه در سال ۱۴۰۰ بود. روش نمونه‌گیری، هدفمند با معیار اشباع نظری بود. در این پژوهش با ۱۰ نفر از کودکان آزاردیده یا خانواده‌ی آنان و تعداد ۱۶ نفر از کارشناسان فعال در حوزه‌ی کودک‌آزاری مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام شد. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت و چندین بار مقوله‌بندی و کدگذاری انجام شد. براساس یافته‌های پژوهش، شایع‌ترین علل کودک‌آزاری در چهار حوزه جسمانی، روان‌شناختی، خانوادگی و اجتماعی دسته‌بندی شدند. یافته‌های پژوهش نشان داد که پدیده‌ی کودک‌آزاری در جامعه ما رو به افزایش است و علت‌های بسیاری زمینه‌ساز کودک‌آزاری می‌باشند. برای کاهش پدیده کودک‌آزاری، جامعه نیازمند برنامه‌ریزی همه‌جانبه و هماهنگ از طرف دولت برای تغییرات مناسب در ساختارهای خانوادگی، فرهنگی-اجتماعی، قانونی و اداری می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: کودک‌آزاری، کرمانشاه، مطالعه کیفی

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمانشاه

فصلنامه پیشرفت و توسعه استان کرمانشاه، دوره ۳، شماره ۴، ص ۱۰۸-۱۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۴

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۱۲/۰۵

۱- مقدمه

کودکان بخش مهمی از هر جامعه هستند و در این راستا نحوه پرورش و رشد فرزندان در محیط خانواده و جامعه از اهمیت بالایی برخوردار است (نورمی^۱ و همکاران، ۲۰۱۲). کودکان توجه به دیگران و رعایت حقوق آنها، آشنایی با ارزش‌ها و جامعه‌پذیری را در کانون گرم خانواده می‌آموزند. محیط خانواده و شرایط تربیتی آن از مسائل سرنوشت‌ساز و از جنبه‌هایی است که نمی‌توان درباره آن سکوت کرد و بسیاری از جوامع در ارتباط با نحوه تربیت و ارتباط با فرزندان حساسیت بالایی را از خود نشان می‌دهند (زهیر^۲، ۲۰۱۰). تا حدود دو دهه پیش، گمان می‌رفت که خانواده به سبب وجود روابط صمیمی محبت‌آمیز و عواطف، بهترین مکان برای زندگی بزرگسالان و بهترین مکان برای رشد و شکوفایی عاطفی و جسمانی کودکان و نوجوانان است؛ ولی شواهد و مدارک سال‌های اخیر حاکی از آن است که کودک در محیطی که باید انتظار گرمی، تقویت حمایت، ایمن و عشق داشته باشد مورد خشونت و بدرفتاری قرار گرفته است (بهاری، ۱۳۸۸).

پدیده کودک‌آزاری هرچند منحصر به زمان حال نیست و در تمامی جوامع و زمان‌ها مشاهده شده است، اما برای نخستین بار کمپ و همکاران در سال ۱۹۶۲ به صورت "سندرم کودک کتک خورده" معرفی‌اش کردند و پس از آن به تمام ابعاد این پدیده توجه روزافزون شد (اعزازی، ۱۳۹۹). کودک‌آزاری به‌عنوان یکی از معضل‌های روانی-اجتماعی هرگونه آسیب جسمی، جنسی، عاطفی و روانی و یا بهره‌کشی و عدم رسیدگی به نیازهای اساسی افراد زیر ۱۸ سال است که عملکرد آنها را در تمامی ابعاد زندگی با اختلال مواجه می‌کند (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۱۸). به سخن دیگر کودک‌آزاری هرگونه رفتار و یا نارسایی از طرف والدین و یا اطرافیان در قبال کودک است که منجر به بروز آسیب‌هایی نظیر مرگ، صدمات جسمی، جنسی و یا رنج‌های عاطفی-روانی در وی می‌شود (مشرفیان‌دهکردی، ۱۳۹۶؛ گابریلی^۳ و همکاران، ۲۰۱۷).

1. Noremy
2. Zahir
3. Gabrielli

بروز پدیده کودک آزاری مانند بسیاری از متغیرهای روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، تک عاملی نبوده و وجود مشکلات فردی والدین نظیر اعتماد به نفس پایین، عدم آشنایی با توانایی‌های کودکان، ضعف در توانایی حل مسئله، شیوه‌های برقراری ارتباط، ناتوانی تنظیم سیستم‌های آشکارکننده خشم و ... از یک سو و فشارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که خانواده در معرض آن است از سوی دیگر، از عوامل کودک آزاری به شمار می‌آیند. کودک بر اثر کودک آزاری دچار عوارض ماندگار روان‌پزشکی از آن دسته اختلالات خلقی، اضطرابی، شخصیتی، افت عملکرد تحصیلی، مصرف مواد می‌شود و حتی ممکن است مورد سوءاستفاده قرار بگیرد (مومنی، ۱۳۹۸). زند آنها، بیمارستان‌های روانی، کانون‌های اصلاح و تربیت و مدارس کودکان، مملو از افرادی هستند که در دوران کودکی مورد محبت قرار نگرفته و طرد شده‌اند. همچنین در میان افرادی که هیچگاه کاری پیدا نمی‌کنند یا اشخاص توانا اما بدشانس، تعداد این افراد بسیار زیاد است. خشم، نفرت عدم ملاحظه دیگران و ناتوانی در برقراری روابط رضایت بخش و دوسویه واکنش‌های معمول در برابر طرد شدگی و محبت نادیدگی هستند. مطالعات فراوانی نشان داده‌اند که قربانیان کودک آزاری، خود در آینده به افرادی آزاررسان تبدیل می‌شوند و این روش را از خانواده خود به فرزندان در خانواده جدید انتقال می‌دهند (خلاصه‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹).

با توجه به افزایش روزافزون کودک آزاری در جهان و ایران و پیامدهای مخرب آن و بررسی مطالعات داخلی و خارجی، پژوهشگران مطالعه کنونی به مطالعات کیفی چندانی در زمینه کودک آزاری و علت‌های آن دست پیدا نکردند. بنابراین با وجود کمبود پژوهش کیفی درباره علت‌های کودک آزاری، پژوهشگران در این مطالعه با کاربست روش کیفی و با بهره‌گیری از مصاحبه‌هایی نیمه‌ساختاریافته، واکاوی علت‌های مختلف کودک آزاری در سطح استان کرمانشاه را پیگیری خواهند کرد.

۲-پیشینه تحقیق

ممیزی و همکاران (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای با عنوان مهارت اجتماعی و نقش آن در پیشگیری از مورد آزار قرار گرفتن کودکان، نشان دادند که بین مهارت‌های اجتماعی کودکان با مورد آزار قرار گرفتن آنها، رابطه معناداری وجود دارد. نتایج تحلیل آماری نشان داد که پرخاشگری مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده معنادار مورد آزار قرار گرفتن

است. محمدیان و همکاران (۱۳۹۵) تحقیقی با هدف تحلیل عامل تأییدی ابزار کودک‌آزاری در کودکان اهوازی انجام دادند، یافته‌های تحلیل عاملی تأییدی نشان داد الگوی فرم کوتاه سه عاملی سازه کودک‌آزاری که حیطه‌های روان‌شناختی، بدنی و غفلت را در بر می‌گرفت دارای برازندگی مناسبی بود. همچنین، الگوی تحلیل عاملی تأییدی مرتبه نخست نسبت به تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم از وضعیت مطلوب‌تری برخوردار بود.

بهروزی و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیقی که با هدف رابطه علی خشونت فیزیکی و عاطفی والدین با مدیریت خشم و رفتارهای پرخاشگرانه کودکان مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله‌ای با میانجی‌گری رابطه والد-فرزند و همدلی انجام دادند نتایج مدل نشان داد که خشونت عاطفی دارای اثر مستقیم معنادار بر رفتار پرخاشگرانه و مدیریت خشم بود اما خشونت فیزیکی تنها دارای اثر مستقیم بر رفتار پرخاشگرانه بود. همچنین همدلی و رابطه والد-فرزند به عنوان واسطه بین خشونت فیزیکی و خشونت عاطفی با مدیریت خشم و رفتار پرخاشگرانه قرار گرفتند. شهیدی و همکاران (۱۳۹۹) تحقیقی با هدف سنجش تأثیر اعتیاد و وضعیت سرپرستی بر کودک‌آزاری جنسی با تمرکز بر نمونه‌های به دست آمده از مراکز اورژانس اجتماعی تهران انجام دادند، یافته‌ها نشان داد عوامل زیادی از آن دسته علل خانوادگی و اجتماعی در بروز آزاردیدگی کودکان نقش دارند. خطر آزار جنسی در کودکانی که تک والد بوده یا والدین معتاد دارند، بیشتر است.

ری^۱ و همکاران (۲۰۱۸) تحقیقی با عنوان ارزیابی برنامه سوءاستفاده از کودکان دوچرخه سوار: مداخله جامعه برای قربانیان سوءاستفاده از کودکان انجام دادند. نتایج نشان داد که کودکان بهبود چشمگیری را در سطوح کلی ناراحتی احساسی، نگرانی، اضطراب و عملکرد رفتاری و احساسی نشان دادند. به طور کلی، نتایج حاکی از این است که خدمات ارائه شده توسط برنامه، ممکن است به عنوان یک مداخلات منحصر به فرد برای کودکانی که مورد سوءاستفاده قرار گرفتند مدنظر قرار گیرد. جکسون^۲ و همکاران (۲۰۱۷) تحقیقی با عنوان کودک‌آزاری، خودکنترلی و بزهکاری: دیدگاه عمومی فشار انجام دادند نتایج نشان داد از لحاظ نظریه‌های بسیار مهم کنترل، سوءاستفاده از کودکان اثر مستقیم و غیرمستقیم بر بزه کاری دارد و رابطه آن تا اندازه‌ای با خودکنترلی کم است.

1. Ray
2. Jackson

کامیلو^۱ (۲۰۱۶) با انجام پژوهشی تحت عنوان "مرور سیستماتیک اقدامات ضمنی برای کودک آزاری و غفلت" و با ارزیابی تعامل والدین و کودک و تجزیه و تحلیل تفاوت‌های میان بدرفتاری والدین و بدون بدرفتاری آنان به این نتیجه رسیدند والدینی که از لحاظ جسمانی کودک را مورد آزار قرار می‌دهند به طور خاص نسبت به شناخت احساسات کودک سخت تمایل نشان می‌دهند و تعصباتی نسبت به ادراک و رفتار کودکان دارند و به شدت پرخاشگرانه رفتار می‌کنند. اسپاتز^۲ و همکاران (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای نسلی در بین کودکان زیر یازده سال، دو گروه کودکان با سابقه خشونت‌های جسمی، جنسی و روانی و کودکان بدون تجربه کودک آزاری را مورد مقایسه قرار دادند. در این پژوهش انواع کودک آزاری (روانی، جسمی، جنسی و آسیب بدنی) مورد بررسی قرار گرفته است. بیش از ۸۰ درصد از کودکان در هر دو گروه مورد بررسی گزارش دادند که به تازگی مورد آزار قرار گرفته‌اند (غالباً کودک آزاری روانی) و چیزی در حدود ۷۵ درصد از کودکان در هر دو گروه مورد بررسی به قابلیت والدین‌شان در ۴ شکل مورد بررسی کودک آزاری اشاره نمودند. در همین ارتباط دختران در مقایسه با پسران بیشتر تحت آسیب بدنی قرار گرفته‌اند.

۳- روش شناسی

پژوهش کنونی یک تحقیق کیفی و از نوع تحلیل محتوا می‌باشد. تحلیل محتوا با رویکرد قراردادی به طور بالقوه، یکی از مهم‌ترین تکنیک‌های پژوهش کیفی در علوم اجتماعی است که در پی شناخت داده‌ها به تحلیل آنها می‌پردازد (الو و کینگاس^۳، ۲۰۰۸). جامعه مورد پژوهش کارشناسان و متخصصان مداخله‌گر در حوزه کودک آزاری و کودکان آزار دیده و خانواده‌های آنان در شهرستان کرمانشاه در سال ۱۴۰۰ بود. ملاک انتخاب متخصصان مشارکت‌کننده شامل مواردی مانند: دارا بودن حداقل دو سال سابقه کاری در حوزه کودک آزاری، دارا بودن حداقل مدرک کارشناسی مددکاری اجتماعی، روان‌شناسی یا دیگر حرفه‌های یاورانه و علاقمند به بازگویی تجارب خود در

1. Camilo
2. Spatz
3. Elo & Kyngas

زمینه پژوهش کنونی و در نظر گرفتن دسترس‌پذیری به آنان و ملاک انتخاب کودکان آزار دیده یا خانواده آنان شامل مواردی مانند گذشت حداقل دو سال از وقوع کودک‌آزاری و مشخص شدن پیامدهای آشکار و پنهان آن و در دسترس بودن و داوطلب بودن خانواده یا کودک برای شرکت در پژوهش و بازگویی تجارب بود. در این پژوهش سعی شده تا حد امکان تنوع نمونه از نظر نوع کودک‌آزاری، میزان سابقه کاری متخصص مداخله‌گر در حوزه کودک‌آزاری و انتخاب کارشناس و کودکان آزار دیده از سازمان مختلف دولتی، خصوصی و سازمان مردم‌نهاد رعایت شود. در این مطالعه، تیم پژوهش به دنبال افرادی بودند که دارای تجربه غنی در خصوص موضوع پژوهش باشند. در این مطالعه با روش نمونه‌گیری هدفمند و در نظر گرفتن معیار اشباع نظری، با ۱۶ نفر کارشناس و ۱۰ نفر کودک که در دسترس و داوطلب بودند مصاحبه عمیق نیمه‌ساختارمند به صورت چهره‌به‌چهره حضوری یا واتس‌اپی صورت گرفت. مدت زمان مصاحبه‌ها بین ۶۰ الی ۹۰ دقیقه بود.

در آغاز مصاحبه، هدف پژوهش، روش مصاحبه و حق افراد نسبت به شرکت در مطالعه و یا پرهیز از آن برای مشارکت‌کنندگان توسط پرسشگر توضیح داده شد و سپس رضایت آگاهانه از آنان کسب گردید. در راستای گردآوری داده‌ها از مصاحبه‌های عمیق فردی و نیمه‌ساختارمند استفاده شد. مصاحبه‌ها با یک پرسش باز آغاز شد و در جریان مصاحبه بسط و گسترش داده شد (می‌توانید توضیحاتی درباره افرادی که با آنها زندگی می‌کنید بدهید؟ «پرسش آغازین مصاحبه با خانواده و کودک»)، (در حیطه کار با کودک آزار دیده چه نکاتی نظر شما را جلب می‌کند؟ «پرسش آغازین مصاحبه با کارشناس») و در طول انجام مصاحبه از پرسش‌های کلیدی و کاوشگرانه مانند (می‌توانید علت‌های بروز کودک‌آزاری را توضیح دهید؟) در راستای دستیابی به جزئیات و اطلاعات غنی‌تر بهره گرفته شد.

مصاحبه‌ها با رضایت مشارکت‌کنندگان ضبط شد. سپس در اولین فرصت به همراه یادداشت‌های در عرصه، بر روی کاغذ دست‌نویس و سپس تایپ کامپیوتری شدند. متن پیاده شده مصاحبه‌ها پس از

چندین بار مرور، به واحدهای معنایی تشکیل دهنده و سپس به کوچکترین واحدهای معنادار شکسته شدند. سپس کدها چندین بار بازخوانی شدند تا بر اساس تشابه معنایی در زیرطبقات و طبقات اصلی جایگزین شوند. چندین بار متون اولیه و طبقات نهایی بازخوانی شدند تا سرانجام پژوهشگران و مشارکت کنندگان به اشتراک معنایی درباره طبقات رسیدند. افزون بر این، در این پژوهش سعی شد تا حد امکان پیش فرض‌های پژوهشگران در روند تحلیل داده‌ها دخالت داده نشود.

برای تعیین صحت داده‌ها از معیارهای چهارگانه مقبولیت، قابلیت اعتماد، تأییدپذیری و انتقال‌پذیری استفاده شد (گرآنهایم و لوندمن، ۲۰۰۴). به منظور تعیین مقبولیت داده‌ها، درگیری مداوم با موضوع و داده‌های پژوهش وجود داشت و از نظرات اصلاحی اساتید تیم پژوهشگر در ارتباط با روند انجام مصاحبه‌ها، تحلیل آنها و داده‌های استخراج شده، استفاده گردید. در راستای تعیین قابلیت اعتماد داده‌ها، همان‌طور که در تعیین مقبولیت اشاره شد، از روش تلفیق در گردآوری داده‌ها بهره گرفته شد و از یک ناظر خارجی آشنا به پژوهش کیفی نیز جهت بررسی داده‌ها استفاده شد که در مورد فرآیند کار و یافته‌ها توافق وجود داشت. برای تعیین تأییدپذیری یافته‌ها نیز کلیه فعالیت‌های صورت گرفته شامل فرآیند انجام کار و چگونگی یافته‌های به دست آمده، به دقت ثبت شدند و گزارشی از فرآیند پژوهش ارائه گردید. همچنین به منظور تعیین انتقال‌پذیری داده‌ها، یافته‌های به دست آمده از پژوهش با ۵ کارشناس فعال در حوزه کودک‌آزاری که موقعیت‌های یکسانی با مشارکت کنندگان در پژوهش را داشتند، در میان گذاشته شد که مورد تأییدشان قرار گرفت.

در این پژوهش اصول محرمانه بودن اطلاعات و کسب رضایت آگاهانه جهت مصاحبه، ضبط گفتگو، مشاهده و برخورداری از حق کناره‌گیری از پژوهش در هر مرحله زمانی از آن دسته ملاحظات اخلاقی بود که رعایت شد.

۴- تحلیل داده‌ها

دامنه سنی کارشناسان شرکت کننده در پژوهش بین ۳۰ تا ۴۷ سال بود و سطح تحصیلات آنها، یک نفر کارشناس (۶/۲۵ درصد)، کارشناسی ارشد (۸۱/۲۵ درصد)، دکتری (۱۲/۵ درصد) و و از نظر جنسیت، مرد (۱۲/۵ درصد) و زن (۸۷/۵ درصد) بودند. متوسط سابقه کاری آنان $9 \pm 2/8$ سال بود. ۴۵/۴۶ درصد کودکان مشارکت کننده دختر و بقیه پسر بودند و سن وقوع اولین آزار در بین کودکان مشارکت کنندگان از بدو تولد تا ۱۲ سالگی متغیر بود. پس از مصاحبه با کارشناسان و کودکان متن مصاحبه آنها تحلیل شد و توسط تیم پژوهش کدگذاری گردید.

جدول ۱. علل شایع کودک‌آزاری برگرفته از مصاحبه با مشارکت کنندگان در پژوهش

طبقه اصلی	طبقات فرعی	کدهای اولیه
علل کودک‌آزاری	جسمانی	زیبایی کودک / معلولیت کودک / عقب‌ماندگی کودک / بیش‌فعالی کودک
	روان‌شناختی	مشکلات و اختلالات روان‌شناختی والدین / کودکان ناسازگار / کودکان غیرطبیعی کودکان طرد شده
	خانوادگی	سطح تحصیلی پایین / مشاغل سطح پایین / ازدواج والدین در سن پائین / نارضایتی از ازدواج / نارضایتی زناشویی / اختلاف سنی زیاد والدین / والدین جوان و بی‌تجربه / فقر اقتصادی / فقر فرهنگی / کم‌سوادی و بی‌سوادی والدین / به‌کارگیری سبک فرزندپروری مستبدانه / ناهماهنگی والدین در تربیت کودک / ناتوانی در کنترل خشم / حضور نداشتن یکی از والدین / زندانی بودن والدین / مرگ عضوی از خانواده / بیماری خطرناک عضوی از خانواده / مشکلات شدید مالی / مهارت فرزندپروری نداشتن والدین / داشتن کلیشه تنبیه / نداشتن مسئولیت‌پذیری والدین / اعتیاد والدین / اهمالکاری والدین / اعتماد بیش از اندازه خانواده به اطرافیان / باورهای اشتباه / باورهای اشتباه مذهبی / ارتباط نامناسب والدین با هم / خودخواهی والدین / لجبازی والدین / جدایی والدین / حساس و گوش به زنگ نبودن والدین / ازدواج اجباری / درگیری همیشگی والدین / وجود خواهر و برادر ناتنی در خانواده / وجود ناپدری و نامادری / خانواده‌های پُرجمعیت / خشونت خانگی / همسرآزاری / ناآگاهی والدین از پیامدهای کودک‌آزاری / گفت‌وگو نکردن با کودکان درباره مسائل جنسی / کاستی

		آموزش درباره خودمراقبتی / غفلت والدین / تنها گذاشتن کودک پیش پسر نوجوان / پرخاشگری والدین/ناسازگار بودن یکی از والدین
	اجتماعی	فربیب دادن کودک / بیماری خطرناک دوستان / درگیری در محل کار / مهاجرت بی رویه و حاشیه نشینی / ناکافی بودن اطلاع رسانی و آگاهی دادن از سوی صدا و سیما/ ناکافی بودن آموزش های پیش از ازدواج / نداشتن قوانین محکم و بازدارنده در خصوص کودک آزاری/آموزش ناکافی در خصوص به کارگیری و در دسترس بودن وسایل پیشگیری از فرزندآوری در خانواده های آسیب زار/ بیکاری/ کلیشه های فرهنگی اشتباه / نگهداری کودک نزد اطرافیان بدون صلاحیت / کلیشه های جنسیتی / محیط و محله زندگی پر آسیب

۵- بحث و نتیجه گیری

بر اساس یافته های پژوهش، شایع ترین علل کودک آزاری براساس اطلاعات مندرج در جدول یک، در چهار حوزه علت های جسمانی، روان شناختی، خانوادگی و اجتماعی تقسیم بندی می شوند. شایع ترین علل کودک آزاری که در پژوهش ها به آن اشاره شده است و همسو با این پژوهش بود می توان به مواردی مانند: فقر (مدنی قهفرخی و بیات، ۱۳۸۸)، خشونت خانگی و همسر آزاری (نبوی و همکاران، ۱۳۹۲)، ناآگاهی والدین از پیامدهای مخرب کودک آزاری (حبیبی و همکاران، ۱۳۹۶)، کودک ناسازگار، غیرطبیعی و طرد شده (حبیبی و گوهری مقدم، ۱۳۹۶)، مرگ عضوی از خانواده، بیماری خطرناک عضوی از خانواده، بیماری خطرناک دوستان، مشکلات شدید مالی، درگیری در محل کار، نارضایتی از ازدواج (مک میلان، ۲۰۰۱)، درآمد پایین خانوار، تعداد فرزندان زیاد در خانه، موقعیت شغلی پایین، نارضایتی زناشویی (رومرو-مارتینز^۲ و همکاران، ۲۰۱۴) اشاره کرد.

شاید موثرترین دلیل کودک آزاری را بتوان ناشی از ساختاری دانست که به گونه ای نظام مند و ایستا، حقوق کودک آزاردیده را نادیده می گیرد. در تمام کودک آزاری ها، یک عامل اصلی وجود دارد که به تنهایی راه را برای انواع کودک آزاری هموار می سازد. قوانینی که در زمینه کودکان و واگذاری حق تنبیه کودک به والدین

تدوین شده‌اند نه تنها پاسخگوی نیازها و حمایت از او نیستند بلکه با به رسمیت شناختن ریاست پدر بر خانواده و واگذاری حق تنبیه به والدین، از همان آغاز توانمندی بالقوه والدین را افزون‌تر و کانون گرم خانواده را به نخستین بستر و مکان آسیب‌رسانی کودک تبدیل کرده‌اند. "این قوانین ... با پذیرش ریاست پدر بر خانواده و به ویژه ولایت وی بر کودکان ممکن است باب کودک‌آزاری را باز کنند" (سامعی، ۱۳۸۵).

این ساختار با وضع نکردن قوانین و مقرراتی در راستای حمایت و پشتیبانی از موجودی ناتوان، دست توانمندی را برای آسیب‌رسانی به او باز می‌گذارد. این ساختار تا جایی پیش‌رونده و جانفرسا می‌شود که انسانی را بدون در نظر گرفتن شرایطی دقیق و نظام‌مند و بدون در نظر گرفتن شایستگی و صلاحیت، توانمند می‌پندارد و به سرپرستی انسانی ناتوان می‌گمارد تا جایی که این فرد به خود اجازه می‌دهد در شرایطی با دست‌آویز شدن به همین قوانین و با پرداخت تنها بخشی از عمر خویش در زندان (۵ سال)، جان او را بستاند و این امر تنها بخشی از داستان ستم ساختاری در حق کودک است. بخش دیگر به ایستایی این ساختار برمی‌گردد چرا که کاستی‌های قوانین و مقررات در طول زمان آشکار می‌شوند ولی قانونگذار همچنان بر چشم‌پوشی و نادیده گرفتن آن، پافشاری دارد. این ایستایی و درجامانگی قانونی تا جایی ادامه دارد که حتی پس از اینکه کودک‌آزاری انجام شد و اثبات گردید باز میزان جرم و متولی آن تا حدودی نامشخص است. کارشناسی در این باره می‌گوید: «شاید برخی باور دارن که علت کودک‌آزاری خشونت والدین، غفلت والدین، باورهای اشتباه، فقر فرهنگ و ... باشه. بی‌شک همه این عوامل تأثیرگذار هستن اما به نظر من، با توجه به ساختارهای اجتماعی که به گونه‌ای است که همه چیز از بالا به پایین دیکته میشه شاید علل اصلی در بطن همین جامعه باشه مثلاً قانونگذار قانون رو طوری تصویب کنه به نفع یکی و ضرر یکی دیگه و هیچ وقت هم این قوانین تغییر نکنه. قوانین خوب علاوه بر اینکه منافع همه رو پوشش میده اثر بازدارندگی داره و از جرم هم پیشگیری میکنه. علل اصلی دیگه فقر گسترده در جامعه‌س. فقر باعث ناکامی، خشم و خشونت، درگیری و زدوخورد بین اعضای خانواده، دزدی، ترک تحصیل و ... فقر مادر آسیب‌هاس».

امروزه هیچ فردی بر خود نمی‌تابد که فرد دیگری را توسط تنبیه بتوان آموزش داد و در هیچ یک از رویکردهای روان‌شناسی، تنبیه بدنی حتی در موارد استثنایی در راستای آموزش و پرورش کودک تجویز نمی‌شود. این حق،

زمینه‌ای خطرزا برای کودک به وجود می‌آورد که میزان آسیب‌پذیری او را افزایش می‌دهد چرا که نه تنها در مسیر پرورش کاری انجام نمی‌دهد بلکه چنان آثاری بر جای می‌گذارد که در بیشتر موارد درمان فرد به سختی و گاه ناشدنی است. شرکت‌کننده‌ای می‌گوید: «پدرم منو میزنه، کلمه پدر برای من یعنی کتک و بدبیراه، فحش و ناسزاگویی. فقط من کتک خور نیسم، گاهی مادرمو هم میزنه. وقتی ازش می‌پرسیم چرا این طور می‌کنی، میگه "من خودم تو زندگی یه روز خوب نداشتم و همین جوری بزرگ شدم" داداشم هم مثل پدرم شده، بعضی وقتا با هم دعوا می‌کنن، اونم از خانه فراریه و می‌دونم سیگار می‌کشه، مگه ما چه گناهی کردیم، هیچ کس هم کاری نمی‌کنه، مگه ما به لقمه نان بیشتر می‌خواستیم و ...».

سوی دیگر پدیده کودک‌آزاری، فرهنگ تعریف شده این ساختار است که به کمک فرد برخوردار از قدرت قانون، می‌شتابد تا جایی که کودک را خلع سلاح کرده و سلاح را در یک هم‌افزایی و نادیده‌انگاری کودک، در دست والدین می‌گذارد تا با روا دانستن هر گونه کاری از سوی آنان، مسیر ناتوان‌سازی کودک را هموار گرداند. فرهنگ مؤلفه‌ای معطوف به گذشته است که چنانچه در بخشی، ناکارآمد و ضعیف باشد به سختی تغییرپذیر و تغییرپذیری آن زمان‌بر است. یکی از بخش‌های آسیب‌پذیر فرهنگ کنونی، کاستی و کمبود آموزش‌هایی است که بایستی افراد را برای بهزیستی و سلامت روان‌شناختی در چرخه زندگی آماده کند و بر تاب‌آوری و سرسختی آنان در هنگام رویارویی با سختی‌ها بیفزاید مؤلفه‌ای که یکی از کارشناسان با عنوان فقر فرهنگی به آن اشاره کرد: «آموزش باید از کودکی شروع بشه و بلندمدت باشه تا تأثیرگذار باشه نه زمان عقد که فرد وابسته شد در اون موقع، آموزش تأثیر چندانی نداره. باید رسانه‌ها، آموزش و اطلاع‌رسانی کنن. اگر زوجین تحصیلکرده نیستن و ضعف مهارت‌های زندگی دارن برای تشکیل خانواده باید فردی همراه اونا باشه که مدام اونا رو ارزیابی کنه و آموزش بده. متأسفانه در حال حاضر، آموزش‌های سطح جامعه کافی نیسن، مدارس و مهدکودک‌ها از آموزش کاربردی غافل شدن و کاری نمی‌کنن». کارشناس دیگری در این باره می‌گوید: «آموزش در تمام مراحل زندگی مثل شروع زندگی مشترک، مراحل مختلف بارداری و فرزندپروری خیلی مهمه، به والدین باید در خصوص حقوق کودک، روش‌های کنترل خشم و پیامدهای کودک‌آزاری آموزش دهند. متأسفانه در حال حاضر کار چندانی نمی‌کنن».

صدا و سیما باید با ساخت سریال و فیلم سینمایی سعی کنند مردم را آگاه و نسبت به کودک‌آزاری حساس کنند. برنامه آموزشی در قالب همایش و برنامه‌هایی که تاکنون بودن، زیاد جوابگو نیست و جز بر باد دادن بودجه تأثیری ندارند. مثلاً الان برای تشویق به فرزندآوری، وسیله پیشگیری را برداشتن که راه کار مناسبی نیست چرا که قشر فقیر بیشتر بچه‌دار میشن که پدر، بیکار هستش و فقر اقتصادی در خانواده باعث کودک‌آزاری می‌شه».

بنا بر نظریه روان‌پویشی، رشد ناخودآگاه فرد در دوران کودکی، تعیین‌کننده مهم رفتار فرد در تمام زندگی است و هر گونه کاستی در این بخش از شخصیت فرد که ناشی از تجربه‌ای تلخ و ناگوار در این دوران باشد شاید در بزرگسالی به شخصیت فرد آسیب جدی زده و او را پذیرای هر گونه رفتار بزه‌کارانه کند. فردی که از گشاده‌رویی و خوش‌خُلقی پدر و مادر به دور بوده و کودکی که نیروی دوست داشتن از او گرفته شده باشد هر گونه رفتار ضد اجتماعی شاید میوه‌ی تلخ همان درخت نونهال کودکی او باشد و رفتارهای کنونی او در بچه‌ای برای بیان احساسات خشونت‌آمیز و ضداجتماعی اوست. بسیاری از کودکانی که در دوران کودکی قربانی آزار و بدرفتاری بوده‌اند در بزرگسالی خود به آزار کودکان پرداخته‌اند و این "چرخه آسیب" بزرگترین زیان کودک‌آزاری است که به فرد، خانواده و اجتماع آسیب می‌زند چرا که درمان آن هزینه‌بر، انرژی‌بر و زمان‌بر است. این چرخه آسیب گاهی معطوف به خود می‌شود به طوری که بسیاری از رفتارهای خودزنی و خودآسیب‌رسانی با تجربه‌ی سوءاستفاده و بدرفتاری به ویژه کودک‌آزاری جنسی ارتباطی تنگاتنگ دارند.

در پایان می‌توان نتیجه گرفت که بروز پدیده کودک‌آزاری مانند بسیاری از متغیرهای روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، تک عاملی نبوده و وجود مشکلات فردی والدین نظیر اعتماد به نفس پایین، عدم آشنایی با توانایی‌های کودکان، ضعف در توانایی حل مسئله، شیوه‌های برقراری ارتباط، ناتوانی تنظیم سیستم‌های آشکارکننده‌ی خشم و ... از یک سو و فشارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که خانواده در معرض آن است از سوی دیگر، از عوامل کودک‌آزاری به شمار می‌آیند. بنابراین می‌توان با شناخت علت‌های بروز پدیده کودک‌آزاری و برنامه‌ریزی برای حذف و مدیریت این علت‌ها از گسترش روز افزون کودک‌آزاری پیشگیری نمود. لازم

به ذکر است پژوهش کنونی توسط سازمان پزشکی قانونی استان کرمانشاه مورد حمایت منابع مالی قرار گرفته است و با کد ۲۱۳۸۶۰-۱۸۱۷۳ در سامانه سمات ثبت گردیده است.

فهرست منابع

- اعزازی، شهلا (۱۳۹۹). **جامعه‌شناسی خانواده‌ها**. تهران: روشنگران و مطالعات زنان، چاپ هشتم.
- بهاری، رقیه (۱۳۸۸). **بررسی عوامل مؤثر بر کودک‌آزاری جسمی در مراکز مداخله در بحران شهر تهران**. فصلنامه پژوهش اجتماعی، ۲(۴)، ۱۵۲-۱۲۹.
- بهروزی، ناصر؛ فرزادی، فاطمه و فرامرزی، حمید (۱۳۹۵). **رابطه علی خشونت فیزیکی و عاطفی والدین با مدیریت خشم و رفتارهای پر خاشگرانه کودکان مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله‌ای با میانجی‌گری رابطه والد-فرزند و همدلی**. سلامت روان کودک (روان کودک)، ۳(۳)، ۴۳-۵۸.
- حبیبی، سمیرا، فلاح، محمد حسین و عمویور، مسعود (۱۳۹۶). **اثرات سوء کودک‌آزاری بر ویژگی‌های شخصیتی کودکان**، فصلنامه مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، ۳(۲)، ۱۲۰-۱۰۶.
- خلاصه زاده، گلرسته؛ بشردوست، نصراله؛ احمدی، نسترن و دستجردی، قاسم (۱۳۸۹). **بررسی شیوع کودک‌آزاری در وابستگان به مواد افیونی مراجعه‌کننده به کلینیک ترک اعتیاد خود معرف شهر یزد**. مجله دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ۱۸(۳) (ویژه‌نامه همایش رفتارهای پر خطر)، ۱۹۹-۲۰۶.
- سامعی، وحید (۱۳۸۵). **افزایش کودک‌آزاری در ایران**. روزنامه روز. ۱۲ خرداد.
- شهیدی، سپیده، بشیریه، تهمورث، صابری، سیدمهدی، و عباسی، اصغر (۱۳۹۹). **سنجش تأثیر اعتیاد و وضعیت سرپرستی بر کودک‌آزاری جنسی با تمرکز بر نمونه‌های به دست آمده از مراکز اورژانس اجتماعی تهران**. پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۸(۱۶)، ۲۶۷-۲۸۷.
- محمدیان، هاشم؛ کردزنگنه، جعفر؛ کیانی، پروانه، و شریفات، فرزانه (۱۳۹۵). **تحلیل عامل تأییدی ابزار کودک‌آزاری در کودکان اهوازی**. مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی، ۱۴(۴)، ۴۵-۵۶.
- مدنی قهفرخی، سعید، و بیات، مجتبی (۱۳۸۸). **فقر و کودک‌آزاری در ایران**. رفاه اجتماعی، ۹(۳۵)، ۲۷۱-۳۰۰.
- مشرقیان دهکردی، لیلا (۱۳۹۶). **کودک‌آزاری، علل و انواع آن با اشاره به حقوق کودک و نقش مهم خانواده در بروز آن**، فصلنامه اطلاع‌رسانی. آموزشی و پژوهشی، ۱۱(۴۳)، ۴۳-۳۸.
- میزی، فاطمه؛ عبدی زرین، سهراب؛ اقلیما، مصطفی و راهب، غنچه (۱۳۹۰). **مهارت‌های اجتماعی: نقش آن در پیشگیری از مورد آزار قرار گرفتن نوجوانان**. طلوع بهداشت، ۱۰(۱) (مسلسل ۳۱)، ۹۶-۱۰۸.
- مؤمنی، علی (۱۳۹۸). **فرا تحلیل شیوع کودک‌آزاری در ایران**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم تربیتی، دانشگاه آزاد واحد شاهرود.

نبوی، سید عبدالحسین؛ باقری، معصومه و اییسی، خدیجه (۱۳۹۲). **بررسی علل مؤثر بر پدیده کودک**

آزاری (مورد مطالعه: دانش آموزان دختر دبیرستانهای شهر اهواز). توسعه اجتماعی، ۳۰ (۸)، ۷-۳۲.

Camilo, C., Garrido, M. V., & Calheiros, M. M. (2016). **Implicit measures of child abuse and neglect: A systematic review.** *Aggression and violent behavior*, 29, 43-54.

Elo S, Kyngas H. (2008). The qualitative content analysis process *J of Adv Nurs*: 62: 107–115.

Gabrielli, J., Jackson, Y., Tunno, A. M., & Hambrick, E. P. (2017). **The blind men and the elephant: Identification of a latent maltreatment construct for youth in foster care.** *Child abuse & neglect*, 67, 98-108.

Graneheim UH, Lundman B. (2004). **Qualitative content analysis in nursing research: Concepts, procedures and measures to achieve trustworthiness.** *Nurse Education Today*; 24: 105–112

Jackson, Y., Huffhines, L., Stone, K. J., Fleming, K., & Gabrielli, J. (2017). **Coping styles in youth exposed to maltreatment: Longitudinal patterns reported by youth in foster care.** *Child abuse & neglect*, 70, 65-74.

McMillan, L. H., O'Driscoll, M. P., Marsh, N. V., & Brady, E. C. (2001). **Understanding workaholism: Data synthesis, theoretical critique, and future design strategies.** *International Journal of Stress Management*, 8(2), 69-91

Noremy, M. A., Zulkarnain, A. H., Kelvin, F., Adanan, M. J., & Sarah, W. M. H. (2012). **Physical child abuse: What are the external factors?** *Asian Social Science*, 8(9), 83-91-91.

Ray, D. C., Lilly, J. P., Gallina, N., MacLan, P., & Wilson, B. (2018). **Evaluation of Bikers Against Child Abuse (BACA) program: A community intervention for child abuse victims.** *Evaluation and program planning*, 65, 124-130.

Romero-Martínez, A., Figueiredo, B., & Moya-Albiol, L. (2014). **Childhood history of abuse and child abuse potential: The role parent's gender and timing of childhood abuse.** *Child abuse & neglect*, 38(3), 510-516.

Spatz, C., Czaja, S. & Ann Dutton, M. (2014). **Child abuse and neglect and intimate partner violence victimization and perpetration: A prospective.** *Child Abuse & Neglect*, 38(4)(4), 650-663.

World Health Organization. (2018). **Child abuse.** Retrieved of 15 January 2018. from <http://www.farhangnews.ir/content/139360>.

Zahir, Z. (2010). **National of child policy.** Retrieved from <http://zahirzainudin.blogspot.com/2010/03/dasar-kanak-kanak-negara.html>.